



## تروریسم رسمی در لباس ناجی

### مردم موصل!

از حکمتیست می پرسند:

**حکمتیست:** حزب حکمتیست اخیرا در اطلاعیه ای تحت عنوان "آزادسازی موصل یا جنایت علیه بشریت" حمله نظامی آمریکا و موئتلفین اش به موصل را جنایت علیه بشریت نام گذاشته است. این در شرایطی است که دولتهای غربی و میدیای رسمی آنها حمله به موصل را مقابله با داعش و آزادی مردم معرفی میکنند. آمریکا و متحدین اش میگویند با گرفتن موصل موقعیت داعش تضعیف و یکی از مراکز مهم از دست آنها خارج میشود. آیا حقایقی در این مدعا نیست؟

**خالد حاج محمدی:** اگر موصل از دست داعش خارج شود قطعا این جریان یکی از مراکز مهم خود را از دست میدهد و حداقل در کوتاه مدت داعش در شکل کنونی آن تضعیف میشود. میگویم در شکل کنونی به این دلیل که معلوم نیست چند گروه و جریان باند سیاهی دیگر مثل داعش به نام این مذهب و آن قوم و ملت عروج خواهند کرد و به جان نه تنها مردم موصل بلکه مردم عراق و منطقه خواهند افتاد. به این اعتبار گرفتن موصل در شکل کنونی و با نیروهایی که پشت این ماجرا هستند و با اهدافی که دنبال میکنند به معنای نجات مردم موصل از جهنمی که به آنها تحمیل کرده اند نیست. موصل را قطعا خواهند گرفت و اما مردم موصل سرنوشت به مراتب بدتری از آنچه امروز داعش و متحدان داعش به آنها تحمیل کرده اند پیدا خواهند کرد. برای توضیح این مسئله و چرایی موضع حزب حکمتیست لازم است کمی بیشتر به واقعیتی که پشت ادعای "آزادی" موصل از جانب ناتو و دولتهای مرتجع منطقه و مدافعان آنها خوابیده است نگاه کنیم. ...

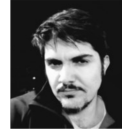
صفحه ۲

# حکمتیست هفتگی ۱۳۴

۲۴ اکتبر ۲۰۱۶ - ۴ آبان ۱۳۹۵  
دوشنبه ها منتشر میشود

## اگر متحد شویم!

در ماشیه اظهارات روحانی



فوار عبداللہی صفحہ ۴

## گرامی باد یاد انقلاب

### اکتبر!

## زنده باد لنینیسم!

## زنده باد انقلاب

### کارگری!



## چه کسی نظم جامعه را بر

### هم می زند!

## جای قاضی و متهم عوض

### شده است

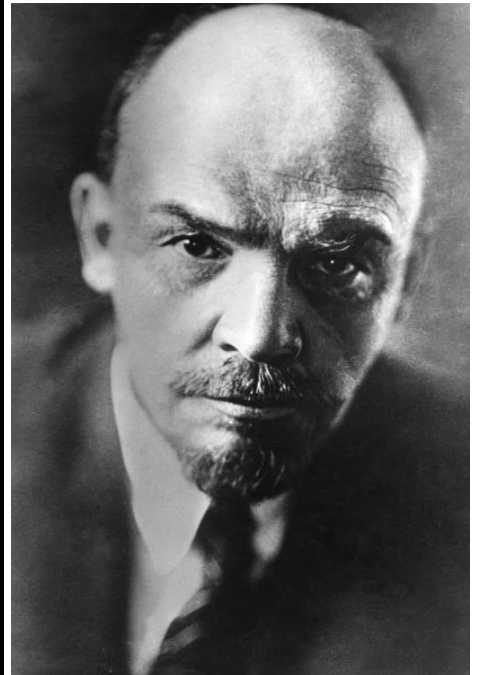
مظفر مهمدی

رضوی، نیک نژاد، بهلولی، علی نجاتی، ابراهیم مددی، رضا شهابی، بهنام ابراهیم زاده... و دهها فعال صنفی شناخته شده و شناخته نشده دیگر، نظم ظالمانه و سرمایه دارانه و زورگویانه مسلط بر جامعه ایران را برهم می زنند!

کل داستان بر سر نظم و بی نظمی است. طبقات اجتماعی هر کدام نظم مطلوب خود را دارند و از آن دفاع می کنند. ... صفحه ۳

عظیم زاده فعال کارگری، شاپور احسانی راد که به ۱۶ سال و ۶ سال زندان محکوم شده اند و دیگر فعالین اتحادیه آزاد کارگران، اسماعیل عبدی رییس کانون صنفی معلمان که به ۶ سال زندان محکوم شده و دیگر همکارانش در کانون صنفی معلمان از قبیل محمود بهشتی لنگرودی سخنگوی کانون صنفی معلمان، رسول بداتی و... تا داوود

برهم زدن نظم عمومی، تشویش اذهان عمومی، اقدام علیه امنیت کشور... این ها عبارات شناخته شده در پرونده همه زندانیان سیاسی در ایران است. از نظر حاکمان ایران، جمهوری اسلامی بعنوان حافظ نظم و بقیه برهم زندگان نظم اند. از زاویه منفعت طبقه حاکمه و نظم مطلوب آنها، این درست است. از نظر جمهوری اسلامی جعفر



# آزادی برابری حکومت کارگری

## از حکمتیست می پرسند...

توجه کنید که تمام دولتهای مرتجع منطقه به نام مبارزه با تروریسم داعش در حمله به موصل دخیلند. آمریکا، عربستان، ترکیه، ایران، عراق و انواع جریانات قومی و مذهبی از حشدالشعبی تا بارزانی و دولت اقلیم و ... در این حمله دخالت دارند. به این اعتبار تمام سران تروریسم در کل منطقه خاورمیانه و عاملین ویرانی کل منطقه امروز به نام مبارزه با داعش و با سرمایه گذاری بر نفرت عمومی مردم منطقه و جهان از داعش در حمله به موصل مستقیم و غیر مستقیم شراکت دارند. مستقل از اینکه آنها همگی در جنایاتی که به مردم سوریه و کل خاورمیانه تحمیل شد، در ویرانی و خانه خرابی و کشتار وسیع و نابودی چند کشور شرکت داشته اند، مستقل از اینکه داعش ارمغان خود ناتو و دولت آمریکا و هم پیمانان آن بوده است، ترکیه و عربستان و قطر و ... تا همین اواخر هم داعش را از هر نظر حمایت کرده اند.

بعلاوه یک سال است این دولتها و در راس آنها آمریکا در حال نقشه ریختن برای حمله به موصل هستند و همه امکانات کشتار جمعی و آخرین اسلحه های مدرن را برای این جنگ به منطقه آورده اند. و یک سال است به کمک مدیای نوکر و کرایه ای خود به نام دفاع از مردم موصل و مقابله با داعش گوش جهانیان را کر و چشم بصیرت را از آنها گرفته اند. یک سال است مردم موصل علاوه بر داعش توسط این دولتها در محاصره هستند و در حال حاضر به قول خود میدیای غربی یک و نیم میلیون انسان در موصل زندگی میکنند. مردم موصل نه تنها در خود موصل زیر فشار داعش هستند که فراریان از دست داعش هم توسط همسین نیروها از حشد الشعبی تا بقیه به نام سنی مذهب، به نام عرب، به اتهام مدافع صدام و داعش کشته میشوند، تحقیر و بی حرمتی به آنها میشود و ... بعلاوه در کل این مدت امکانات اولیه ای برای نجات مردم موصل از کانالی امن، برای فراری دادن آنها از دست داعش تا امکانات زیستی برای فراریان آماده نشده است، اما امکانات تسلیحاتی برای کشتار دهها برابر جمعیت

موصل در اطراف این شهر مهیا شده است. مدعیان آزادی موصل قرار است موصل را با پیشرفته ترین اسلحه ها بمباران کنند، و رهنمودشان به مردم این است از خانه هایشان خارج نشوند. لذا این نه تنها آزادسازی موصل و مردم موصل نیست که ویران کردن این شهر و نابودی آن و فروریختن کل شهر بر سر ساکنین آن به نام مبارزه با داعش است. در شرایطی که طبق آمار همین دولتها حداکثر ۵ هزار نفر نیروی داعش در این شهر مستقر هستند. کسانی که این را به نام آزاد سازی موصل و نجات مردم موصل به مردم جهان میفروشدند حقه باز، فریبکار و شارلاتان سیاسی کمترین چیزی است که میتوان به آنها گفت. این آزادی مردم موصل و مبارزه با داعش نیست! این کشتار وسیع صدها هزار انسان بر اساس یک نقشه از پیش ریخته شده به نام آزادی آنها است. این تروریسم رسمی و دولتی با تاریخی از جنایت است که لباس ناجی مردم موصل را بر تن کرده است و به نام مبارزه با داعش به چشم جانین خاک میپاشد. بعلاوه داعش در این میان به نسبت مردم این شهر کمترین لطمات را متحمل خواهد شد، دولت ترکیه و عربستان و متحدان تا امروز او میتوانستند کریدور نجات برای داعش را فراهم و در صورت لزوم نیروهای داعش را به جایی دیگر منتقل کنند کاری که در سه سال گذشته کرده اند. داعش موصل را از دست میدهد اما موصل به قتلگاه مردم و جنایتکارانه ترین فجایع تاریخ بشر علیه مردم این شهر درست مثل ناکازاکی و هیروشیما تبدیل خواهد شد. کسانی که این را به نام آزاد سازی موصل و مبارزه علیه داعش به جهانیان میفروشدند اگر مدافعان آگاه ناتو و متحدینش نباشند، ابله اند.

بعلاوه در فردای نابودی موصل و پاک کردن هر نوع آثار تمدنی از این شهر، تازه جنگ جنایتکاران جنگی برای سهم خواهی هر کدام شروع خواهد شد. تازه دهها گروه تروریستی و دولتهای تروریست و جنایتکار به اسم دفاع از شیعه، سنی، عرب، کرد، ترک و دهها عشیره ... برای سهم خود مردم عراق و زنده ماندن های موصل و بقیه شهرها را به جان هم خواهند انداخت. تازه شروع جنگ قاتلین مردم موصل به نام مدافع آنها شروع میشود

و ابعاد فجایع بعد از این کشتار و ویرانی نه معلوم است و نه روشن است چند سال دیگر مردم عراق و منطقه باید تاوانش را پس دهند. به این اعتبار اگر داعش موصل را هم ترک کند انواع باندهای مسلح دیگر و انواع داعش های شیعه و سنی و عرب و کرد را به جان مردم خواهند انداخت و همین دولتها برای تامین منافع خود هر کدام پشت یکی را خواهند گرفت. مگر داعش از تولیدات همینها نیست و در دامن خود دولت آمریکا و به نام دفاع از مردم سوریه درستش نکردند.

میدیای رسمی دول امپریالیستی و دولتهای درگیر در این ماجرا آبرویخته تر از آنند که لازم به توضیح زیادی در مورد نقش آنها باشد. همین میدیا حمله به عراق و کشتار صدها هزار انسان و آوارگی میلیونی مردم و نابودی یک مملکت را آزادی آنها و مبارزه با صدام حسین نام گذاشتند! همین میدیا کشتار مردم لیبی و ویرانی آن کشور را مبارزه با قذافی نام گذاشتند و همین میدیا تحمیل یک جنگ جنایتکارانه و تولید دهها گروه مسلح در سوریه را که داعش تنها یکی از آنها است، مبارزه با اسد و دفاع از مردم سوریه نام گذاشتند. همین میدیا و دول محترم غربی زمانی که داعش افسارش را پاره نکرده بود به عنوان "پیکارجویان" آزادی مردم سوریه به جهانیان میفروختند. این میدیا خود بخشی از ماشین جنگی همین دولتهایی هستند که جهان را به جهنمی برای کل بشریت تبدیل کرده اند و مردم خاورمیانه در ابعاد صدها هزار نفر، قربانیان تاکتونی سیاستهای آنها هستند. اینها و مدافعان آنها خود بخشی از پروسه جنگ و تحمیل آن به مردمند. آنها هم اکنون هم درست مثل موارد قبلی کشتار مردم موصل و نابودی سومین شهر بزرگ عراق را به نام مبارزه با داعش به جهان میفروشدند و مردم جهان را با آن مسموم کرده اند.

**حکمتیست:** با این وصف دورنمای این جنگ چیست؟ و مردم موصل و عراق چه راهی برای نجات از این توحش دارند؟

**خالد حاج محمدی:** قبل از جواب سراسر به سوال شما، امروز وظیفه هر انسان شرافتمندی، هر نیروی متمدنی دفاع از مردم

موصل در مقابل داعش و دولتهایی است که زیر رهبری آمریکا قرار است زندگی و هستی آنها را نابود کنند. جنگ در اطراف موصل در جریان است و دفاع از یک و نیم میلیون انسان که قرار است توسط بمب افکن های ناتو خانه و هستی و هرچه دارند بر سرشان خراب شود اولین کار و اولین وظیفه مردم آزادیخواه در سراسر جهان است. مردم موصل با صدها هزار کودک و جوان و پسر در محاصره همه آنها از داعش تا دولتهای غربی و دول مرتجع منطقه هستند. تلاش برای مقابله و اعتراض به این کشتار همه جانبه و تلاش برای کاهش دامنه جنایات آنها به هر شیوه و در هر سطحی که ممکن است اولین وظیفه ما و هر انسان آزادیخواهی است.

امروز بر مردم عراق است که صدای اعتراض خود به کشتار مردم موصل را بلند کنند و با آغوش باز اعلام کنند که آنها پذیرای فراریان هستند. امروز مردم موصل باید صدای بشریت در سراسر جهان در دفاع از خود و علیه قاتلین آنها را بشنوند. امروز مردم موصل باید صدای اعتراض مردم جهان به کشورهایی که در این جنایت شریکند را بشنوند. بعلاوه حمله به موصل ادامه جنگی است که چند سال است در خاورمیانه در جریان است. خاورمیانه به میدان تصفیه حساب قدرتهای بزرگ جهانی و دولتهای مرتجع منطقه تبدیل شده است. هیچکدام از دولتهای درگیر در خاورمیانه نه آمریکا و نه روسیه و نه اروپا و نه دولتهای منطقه راه حل روشنی برای خاتمه به این وضع ندارند. سرنوشت مردم این منطقه به ایجاد توازن میان دولتهای بزرگ جهان و دولتهای مرتجع منطقه از ایران و عربستان و ترکیه تا بقیه سپرده شده است. میدان جدال و ایجاد این توازن خاورمیانه است و فعلا مرکز آن حداقل در حال حاضر سوریه و عراق است و البته عواقب مخرب آن در اشکال مختلف دامنگیر کل بشریت در سراسر جهان است. واقعیت این است که اگر این دولتها راه حلی را هم داشتند و جوابی برای این اوضاع داشتند باز ما و میلیونها انسان در خاورمیانه و صدها میلیون انسان در سراسر جهان محکوم به قبول راه حلهای آنها نبودیم. ... صفحه ۴

مرک بر جمهوری اسلامی! زنده باد سوسیالیسم!

### چه کسی نظم جامعه را ...

از منظر طبقه کارگر و زحمتکش‌ها جامعه نظم و امنیت یعنی رفاه و خوشبختی و آزادی و برابری اکثریت جامعه. از این دیدگاه، در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی جای قاضی و متهم عوض شده است. قضیه کاملاً برعکس است. جمهوری اسلامی مسوول و بانی تمام بی نظمی های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اخلاقی و ... جامعه ایران است.

جنايات عظيم دهه ۶۰ و دهه های بعد را بگذریم. این پرونده تجاوز آشکار و قتل عام مردم توسط جمهوری اسلامی باز است و روزی جنایتکاران در مقابل دادگاه مردمی بر صندلی اتهام قرار خواهند گرفت.

اما امروز: چه کسی مسوول بی نظمی و نامنی شغلی و سیاسی و بی حرمتی روزمره به انسان های جامعه است؟

چه کسی مسوول استثمار کارگران، دستمزد زیر خط فقر کارگر، پرداختن بموقع دستمزد کارگران، نامنی شغلی، بی قانونی و تحقیر روزمره یک طبقه عظیم اجتماعی است؟!

چه کسی مسوول فقر و فساد و اعتیاد و بی مسکنی و خودکشی و گرانی و تورم و گرسنگی و بیکاری ده میلیونی کارگران و خانواده هایشان است؟

چه کسی مسوول دزدی و غارت اموال جامعه توسط سران رژیم و وابستگان سرمایه دارشان است؟

چه کسی مسوول تامین هزینه مزدوران مسلح حزب الله لبنان و حشد شعبی عراق و حوثی های یمن و غیره از درآمد مملکت و جیب مردم زحمتکش است؟!

چه کسی مسوول تبعیض و ستم کشی زن و تحقیر نصف انسان های جامعه با حجاب اجباری و قوانین شریعت در رابطه زن و مرد و نا امن کردن محلات کار و زندگی و خیابان برای این نصف انسان های جامعه است؟! چه کسی مسوول

جداسازی و تفکیک جنسیتی، اپارتاید جنسی و تقسیم مدارس و محل های کار بر اساس جنسیت است.

چه کسی مسوول اعدام انسان در ملا عام و جلو چشم کودکان برای زهر چشم گرفتن از مردم است.

زندانی سیاسی سهل است، از هر زندانی متهم به قتل و دزدی و اعتیاد و غیره هم پیرسی اسامی طیف وسیعی از قاتلان حرفه ای رژیم در میان سپاه و بسیج و اطلاعات و حزب الله را می برد. می تواند از همان منابع خود رژیم اسامی دزدها و غارتگران دارایی های جامعه را نام ببرد. می تواند باندهای قاچاق مواد مخدر را در میان برادران قاچاقچی اسم ببرد... و می تواند پیرسد، چرا سر یکی از اینها روی دار نرفته است؟!

کلاهمان را قاضی کنیم و ببینیم چه کسی مسوول بر هم زدن نظم و امنیت جامعه است؟ مردم یا جمهوری اسلامی؟ فعالین کارگری و معلمان و ... یا سران جمهوری اسلامی؟!

کافی است یک ذره وجدان و شرافت داشت تا این قضاوت را بدرستی انجام داد. این قضاوت را از جمهوری اسلامی نمی توان انتظار داشت که به دزدی و غارت و تشویش اذهان جامعه و قتل عام و کشتار و زندان و اعدام و قاچاق و غارت داراییهای جامعه و بر هم زدن امنیت جامعه اعتراف کند.

فعالین کارگری، معلمان و نهادهای مدنی و اجتماعی و هر انسان آزادیخواه و شرافتمندی حق دارد بگوید و اعلام کند که دفاع از حقوق کارگر، دفاع از حقوق و حرمت معلم، دفاع از حقوق و برابری و حرمت زن، دفاع از حقوق کودکان که کارگری نکنند، دفاع از آزادی بیان و آزادی تشکل و تجمع و تحزب حق ما است. ما مدافع امنیت جامعه ایم.

تنها رفاه و خوشبختی و آزادی و انسانیت و برابری، ضامن نظم و امنیت جامعه است. سرمایه داران و حاکمانشان

برهم زننده این نظم و امنیت اند! متهم کردن و زندانی و تحقیر کردن آزادیخواهان و حق طلبان و انساندوستان و برابری طلبان، توهین به کل جامعه و بر هم زنده نظم و حرمت جامعه است. سرمایه داران و رژیم شان دست پیش می گیرند و خود را حافظ نظم و امنیت معرفی می کنند تا مردم آزادیخواه را به جرم حق خواهی و آزادیخواهی تنبیه و جامعه را مرعوب کنند تا نظم جهنمی شان برقرار و ادامه دار باشد.

اما تا زمانی که دفاع از حق کارگر، حق و حرمت معلم، برابری زن و مرد، حقوق کودک و امنیت جامعه فقط وظیفه تعدادی معین در این و آن شهر و یا در میان این و آن بخش جامعه باشد، جمهوری اسلامی می تواند زندان های ۱۰ سال و ۱۶ سال را بشمارد به این و آن فعال کارگری و معلم و هر انسان آزادیخواهی ببندد.

ما برای کوتاه کردن دست دشمنان حق و زندگی و آزادی و امنیت مردم و جامعه، به میدان آمدن نیروی بیشتری نیاز داریم. به تشکل های توده ای عظیم و همبستگی طبقاتی و اجتماعی وسیع تری نیاز داریم. به تشکل های رادیکال تر و جسور تری نیاز داریم. اگر نزدیک به یک میلیون معلم پشت رهبرانشان باشند، چه کسی می تواند اسماعیل عبیدی و امثال او را به زندان محکوم کند. اگر فعالین کارگری به توده متشکل و متحد کارگران در محل های کار و زندگی متکی باشند و از میان آنها برخاسته باشند، چه کسی می تواند رهبر کارگری را زندان کند. چرا زندان؟ چون دستمزد به اندازه نیاز خانواده کارگری می خواهد. چون نمی خواهد کارگر و خانواده اش گرسنگی بکشد؟ چون نمی خواهد مریضش از بی دارویی بمیرد...!

باید از پایه شروع کرد و بنای ساختمانهایی به نام کانون، انجمن، سندیکا، اتحادیه، شورا و هر تشکل دیگری را چنان محکم و توده ای ساخت

که هیچ فعال و رهبر کارگر و معلم و هیچ انسان آزادی خواهی احساس تنهایی نکند. جمهوری اسلامی در غیاب حمایت توده ای و مبارزه اجتماعی و توده ای، کمر فعالین کارگری و اجتماعی را خم می کند و جامعه را مرعوب می نماید. برای هر مبارزه ای و هر جدالی باید تدارکش را دید. تدارک اجتماعی و توده ای و محکم و قابل اعتماد. با وجود ده ها میلیون کارگر و خانواده کارگری هیچ کارگر و فعال و رهبر کارگری تنها و بی دفاع نمی ماند. دشمن تا دندان متحد و متشکل و مسلح است. مسلح است به دولت و مجلس و دستگاه قضایی و ده ها نهاد اطلاعاتی و نظامی ...

طبقه کارگر شاغل و بیکار، معلمان و پرستاران و کارمندان و دستفروشان و زنان تحت ستم جنسی و دانشجویان و دانش آموزان ...، باید بدانند که بدون اتحاد و تشکل و همبستگی و حلقه زدن دور رهبرانشان سر همه بی کلاه می ماند و دشمن تک تک انسان های مبارزو آزادیخواه را با تهدیدها و زندان هایش، در هم می شکند. ۱۶ سال و ده سال و ۶ سال زندان حکم دادگاه فرمایشی و ظاهر قضیه است. پشت این حکم تهدید و انتقام گیری برای مرعوب کردن جامعه خفته است. تا زمانی که تدارک جنگ را ندیده باشیم و به اتحاد و تشکل و همبستگی هزاران و ده ها هزار و میلیونی کارگر و زحمتکش و معلم و دانشجو و دانش آموز و ... متکی نباشیم، دشمن نیازی به قانون ندارد.

جای قاضی و متهم عوض می شود. از نظر جمهوری اسلامی هر تک کارگری هر یک معلم و هر یک زن و یک دانشجویی...، یک دشمن و برهم زننده نظم است. تنها با اتحاد و تشکل طبقاتی و صنفی و اجتماعی و نهادهای مدنی بزرگ می توانیم هر کسی را جای واقعی خود بنشانیم.

جمهوری اسلامی خود متهم واقعی و اصلی برهم زننده نظم و امنیت و سلامت و حرمت جامعه است. این را فقط توازن قوای طبقاتی می تواند به این دشن قهار بفهماند و عاقلش کند. جای متهم و قاضی باید عوض شود.

## قدرت طبقه کارگر در تحزب و تشکل اوست!

## اگر متحد شویم!

فواد عبداللهی

”دولت نمیتواند بیکاری را مهار کند“... این آخرین درافشانی های جناب روحانی است. کسی که ماشین دولتی، وزارت خانه ها، بانک ها، کنترل کارخانه ها، دخل و خرج حوزه های مذهبی، مجلس، زندانها و ارتش، و ... را درست در اختیار دارد. کسی که تمام ابزارهای سیادت طبقه سرمایه دار ایرانی را در اختیار دارد. کسی که اعتبار حقوقی اش را از کل بورسروازی ایران گرفته است. کسی که دول غربی بعنوان یگانه آلترناتیو بورسروازی ایران به رسمیت اش شناخته اند. کسی که در روزهای آغازین سر کار آمدنش رخت و لباس بابا نوئل را پوشیده بود و وعده میداد که از آسمان آبی تنها در خلال ۱۰۰ روز، اشتغال و گشایش و رفاه و امنیت و آسایش را سوغاتی میآورد. کسی که با گستاخی تمام رو به جامعه اعلام میکند ”مردم شکر نعمت کنند که بدبختتر نشدند“؛ کسی که ملزومات بردگی مضاعف، مهندسی فلاکت، افزایش اعدامها و سرکوبها را مهیا کرده است. درست میگوید، امر دولت ایشان مهار بیکاری نیست، از همان روز اول هم نبود. دولت ایشان ابزار کل بورسروازی ایران است که قرار است بعد از برجام و بازگشت به آغوش عموسام، شیشه را از خون محرومین پر کند. دولت های پیشین پیشکش شان، فقط نگاهی بندازید به کارنامه دولت اعتدال! مهندسی فلاکت، کارگر کشی، فحشا و زن ستیزی، اسیدپاشی، کودک آزاری، شکنجه و بگیر ببند فعالین عرصه های اجتماعی، بستن دهان مخالف، بیشترین آمار اعدامها در طول حیات جمهوری اسلامی، جنگ ستیزی و عربده کشی

های عظمت طلبانه ناسیونالیستی، بازتولید و حفاظت از گنبدیده ترین فرهنگ و آراء قرون وسطایی آنها بعد از ۷۰۰۰ سال از تاریخ تمدن بشری و ... به این لیست می توان افزود. اما همین قدر کافی است تا نشان داد که این دولت، دولت آلکاپون ها است؛ دولت کل بورسروازی ایران است که در مقابل چشمان همه ما رژه می رود. کاش ”بیکاری“ تنها یک مقوله مجرد بود. کاش می شد حتی مثل یک سر درد معمولی با تجویز آپرین و کمی استراحت مداوایش کرد. اما روشن است که بیکاری عارضه طبیعی و همیشگی سرمایه داری است. بیکاری یعنی رقابت کارگران بر سر یافتن کار، یعنی رضایت دادن کارگران به پایین ترین سطح دستمزد و شرایط بردگی، یعنی سود بیشتر برای سرمایه و سرمایه دار، یعنی بی چیز شدن و فقیرتر شدن همه کارگران و ثروتمند شدن همه سرمایه داران. به این اعتبار، جناب روحانی و دولت اش بعنوان نماینده کل بورسروازی ایران، صد البته که دیوانه نیست بیکاری را مهار نماید؛ کلی هم برایشان سود دارد. بیکاری کارگران بشرطی که منجر به طغیان آنها نشود، مانده ای آسمانی است و خیلی هم سودآور است. اما آنچه کل اردوی سرمایه داری در ایران و در راس آن روحانی را به وحشت انداخته است بالا گرفتن توقعات فروگرفته مردم به دنبال توزرد درآمد وعده های ”گشایش اقتصادی“ پس از برجام است. معلوم شد که این معرکه کوچکترین تغییری به نفع رفاه و خوشبختی و آزادی طبقه کارگر و اکثریت مردم محروم ایران در بر ندارد. این دولت و این هیت حاکمه

## از حکمتیست می پرسند؛

ما قرار نیست میان آمریکا و روسیه، میان تروریسم داعش، حشد الشعبی و النصر، میان تروریسم ترکیه و عربستان و ایران و آمریکا و... یکی را انتخاب کنیم. ما محکوم به انتخاب میان سران تروریسم و دولتهای جنایتکار تاریخ بشر به عنوان ناجی خود نیستیم. این سرنوشت محتوم ما نیست. راه حل واقعی عروج مردم آزادیخواه در مقابل کل این توحش است. راه نجات از دست این توحش قبل از هر چیز نشان دادن دامنه توحش این دولتها و نقشه های شوم آنها به نام دفاع از مردم سوریه، عراق و... به مردم جهان است. راه واقعی مقابله با هر نوع تروریسم از تروریسم اسلامی تا دولتی از تروریسم ناتو تا تروریسم ترکیه و ایران و عربستان است. راه واقعی مقابله با هر نوع تقسیمات قومی و ملی و مذهبی مردم، مقابله با گسترش بیشتر هر نوع نفاق و تحریکات میان آنها و حک کردن داغ مذهب و ملیت و قومیت بر پیشانی آنها است. خاتمه دادن به این وضع کار جنبشی است که نفعی در این اوضاع ندارد و برابری انسانها، آزادی واقعی انسانها و همسرنوشتی آنها و رفاه و خوشبختی آنها را امر خود میداند. این کار جنبشهای آزادیخواهانه است که در صف اول آن کمونیستها و سوسیالیستها قرار دارند.

**بدون احساس امنیت و برخورداری از امنیتی سالم و انقلابی. که در دل آن شهروندان بتوانند رفاه و آزادی را تجربه کنند. تحقق مطالبات برحق مردم ممکن نیست. این حکم امروز بخصوص در شرایطی که جهان سراسر به میدان تعرض تروریسم دولتی و غیردولتی تبدیل شده است. بیش از پیش صدق میکند. حزب کمونیست کارگری - حکمتیست مدافع برچیدن ارتش و نیروهای مسلح حرفه ای. انحلال ارتش و سپاه پاسداران و نیز کلیه سازمان های نظامی و انتظامی و جاسوسی و اطلاعاتی مخفی است. ...**

بیکاری را حل کند؛ رفاه، امنیت، آزادی و خوشبختی انسانها را تضمین کند. این جنبش سوسیالیستی را باید از هم اکنون با تمام توان به رهبری و سازمان قدرتمند ساخت تا در نبردهای آتی اهرم سیاسی قابل اتکایی برای جامعه در مقابل کل اردوی بورسروازی و دولت آن باشد.

از عهده عصیان کارگران و نیروی جوان تحصیلکرده آماده به کار، از عهده جنبشی که به کمتر از آزادی و برابری رضایت نخواهد داد، بر نمی آید. جنبشی که اگر بر سر مطالبات اساسی خود متحد شود، میتواند ورق را بر گرداند. تنها این جنبش است که میتواند معضل

شرایطت حزب حکمتیست

حکمتیست

www.hekmatist.com

سردبیر: فواد عبداللهی

fuaduk@gmail.com

تماس با حزب

hekmatistparty@gmail.com

نه قومی، نه مذهبی! زنده باد هویت انسانی!